

دو روی یک سکه،

تعصب و توحش در دو جامعه پیشرفته و عقب افتاده

"تری جونز"، رهبر ماجراجوی فرقه‌ای افراطی در کلیسائی کوچک از شهر گینزویل فلوریدا، مراسم قرآن سوزی به پا می‌کند و در عکس‌العمل به این رفتار جاهلانه، مسلمانانی در افغانستان، دست به کشتاری کور از کارمندان سازمان ملل می‌زنند تا تلافی تلخی از چنان تعرضی کرده باشند. ۱۲ نفر تبعه نروژ، سوئد، رومانی و نپال و ۱۹ نفر مهاجم (جمعاً در مزار شریف و قندهار) کشته، ۱۸ نفر مجروح و ۳۰ نفر دستگیر می‌شوند. این است محصول درخت جهل و جنایت!! نهال نفرتی که سال گذشته "تری جونز" کاشت ولی با دخالت دولت، ارتش و واکنش جهانیان متوقف شد تا این بار در غفلتی همگانی آشکارش کرد.

می‌گویند: "جاهل سنگی به چاه می‌اندازد که صد عاقل از درآوردنش حیران می‌مانند!" بدتر از آن، این که جاهلانی دیگر، از روی عصبانیت به جان بی‌گناهانی بیفتند که فقط غربی یا مسیحی هستند!!؛ "گنه کرد در بلخ آهنگری، به شوشتر زدند گردن مسگری!"

انتقام‌گیری افغان‌های طالبانی آنقدر فجیع و بی‌تناسب و غیر عادلانه بود که عمل "تری جونز" کشیش ماجراجو را تحت‌الشعاع قرار داد، اما اگر نتیجه اعمال را از نیت جدا کنیم و داوری را تابع شرایط تربیتی و فرهنگی دو طرف نمایم، رفتار "تری جونز"، به خصوص با سوابقش در این زمینه و اطلاعش از هشدارهای قبلی مقامات رسمی به عوارض این عمل، به همان نسبت جنایتکارانه است که عمل طالبان.

اما قضیه به همین سادگی‌ها هم که تصور می‌شود نیست، دست‌هایی اندرکارند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند و بر مُراد خویش که ایجاد دشمنی و اختلاف میان مسلمانان و مسیحیان و بدبینی نسبت به اسلام است برسند! وگرنه چگونه ممکن است کشیش کلیسای بسیار کوچک و بی‌اهمیتی در يك شهر درجه سه آمریکا اهانتی به قرآن بکند و اکثریت مردم روزنامه خوان و معتاد تلویزیون در آمریکا و بلکه ایران از این خبر مطلع نباشند، آنگاه مردمی درست در نیمکره دیگر، که اکثراً نه سودای دارند و نه تلویزیون تماشا می‌کنند، زودتر مطلع شده و دست به اقدامی انتقامی بزنند و خوشبختانه! عکاسان و روزنامه‌نگارانی هم به طور اتفاقی! در محل حاضر و آماده باشند تا به سرعت عکس و اخبار سر بردن را به همه جهان مخابره نمایند!؟

البته این اولین بار نیست که شاهد چنین تحریکات ایدئولوژیک و عکس‌العمل‌های افراطی هستیم، قضیه سلمان رشدی، کاریکاتورهای دانمارکی، فیلم جنجالی تهیه شده توسط تنو و ن گوگ و.... زنجیره‌ای است از تقابل‌های تند با تحریکات مخالفان که هر بار فاجعه می‌آفریند. راهپیمائی‌های اعتراضی، کفن پوشیدن‌ها، از دیوار سفارت‌ها بالا رفتن و تخریب و تجاوز، صحنه‌هایی است که هر بار در کشور خودمان شاهد بوده‌ایم.

متأسفانه با بی‌اطلاعی که در جوامع غربی نسبت به اسلام وجود دارد، بسیاری از مردم چنین عملی را که ناشی از فرهنگ قبیله‌گی است که به دلیل هضم شدن هویت فرد در هویت قبیله، هر يك از اعضای قبیله متجاوز گناهکار محسوب می‌شود، به حساب اسلام می‌گذارند! در حالی که عملکرد پیروان هیچ آئینی را، همانطور که عملکرد کلیسا در قرون وسطی را نمی‌توان با توصیه‌های عیسای مهربان منطق دانست، در هیچ زمان و مکانی نمی‌توان الزاماً مساوی همان آئین دانست.

قرآن کتاب دینی مسلمانان، آشکارا چنین وحشی‌گری‌هایی را که دو روی سکه تعصب هستند، به شدت محکوم کرده است که به برخی شواهد آن اشاره می‌کنیم:

الف) محکومیت برخورد توهین آمیز با اعتقادات دگراندیشان

قرآن مسلمانان را حتی از اینکه به بُت‌پرستان هم دشنام بدهند نهی کرده است تا عکس‌العمل جاهلانه آنانرا در دشنام دادن به خدا بر نیانگیزند و تأکید کرده است رفتار هر قومی برای خودش زیبا جلوه می‌کند (وگرنه چنین نمی‌کردند) و داوری در این امر را باید به خدا و روز جزا بسپارند:

انعام ۱۰۸ - وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

با اتکاء به چنین ارشادی بود که امام علی(ع) در نبرد صفین وقتی شنید جمعی از سپاهیان دشمنان را دشنام می‌دهند، فرمود:

"من بر شما زشت می‌دانم که دشنام دهنده باشید، اما اگر به توصیف اعمالشان و بیان حالشان می‌پرداختید، گفتاری پسندیده‌تر و عذری پذیرفته‌تر بود. چه خوب بود به جای دشنامتان چنین دعا می‌کردید: بارخدا، خونهای ما و ایشان را از ریخته شدن حفظ کن، میان ما و آنها صلح و آشتی انداز، از این گمراهی نجاتشان ده تا حق را بشناسد آنکه نادان است، و از گمراهی و دشمنی بازایستد آنکه آزمند آنست". (خطبه ۱۰۶ نهج البلاغه)

در همین نبرد صفین، قبل از درگیری با دشمن بود که از جمله توصیه کرد: "زنان را میازارید و به خشم میاورید، حتی اگر آبروی شما بریزند و فرماندهانتان را دشنام گویند..." و یادآورشان شد که: "در دوران جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوبدستی به زنی می‌زد، نه تنها او، بلکه فرزندان و نسل‌های بعدش را به این ننگ سرزنش می‌کردند". (۱)

یکبار نیز در حین خطبه، دشمنی از خوارج دشنامش داد که "خدا بکشدش، عجب داناست"، یاران بر سرش ریختند تا به جرم توهین به خلیفه خدمتش برسند و جانش بگیرند! با تغییر فرمود: "چه خبر است؟ دست نگه دارید. دشنامی بود که پاسخش یا دشنام است یا عفو از گناه". (حکمت ۴۲۰ نهج البلاغه)

مقایسه کنید این تساهل و تسامح را با تعصب و تحجری که امروز دامنگیر جوامع اسلامی عموماً و جامعه خودمان خصوصاً شده است. این فرهنگی است که هرچند بخواهیم به گردن دین و مذهب ببندازیم، متأسفانه ریشه تاریخی و ملی دارد؛ هم مُنور الکفرهائی! مثل "احمد کسروی" مؤرخ این مملکت، که به ادعای "پاکدینی"، اول دیمه هر سال جشن کتاب سوزان به راه می‌انداخت و با سوزاندن آثار: حافظ، مولوی، سنائی، عطار، غزالی، رازی، ابوالخیر، سهروردی و ... و کتاب‌های مفاتیح و جامع الدعوات و ... به خیال خود با عوامل عقب‌افتادگی ایران مبارزه می‌کرد، و هم دولتمردانی که پس از واقعه آذربایجان (۲۱ آذر ۱۳۲۵) پس از بیرون رفتن روسها از آن دیار و شکست پیشموری و فرقه دموکرات آذربایجان، در تبریز و شهرهای مجاور کتاب‌های ترکی را به آتش کشیدند؛ هیچکدام راه تغییر فکر و اندیشه را نیاموختند.

تنها در وطن نیست که خوارج صفتانی بی‌خبر از ولاء و ولایت، به طریق طالبان می‌روند، در میان هموطنان مقیم در غربت نیز کمتر سخنی از تساهل و تسامح با دگراندیش می‌شنویم و فرهنگ هر که با من نیست بر من است همچنان غلبه دارد. بگذاریم از مقلدین وطنی "تری جونز" که با تأسیس سایتی برای قرآن سوزی، به ازای دریافت صد دلار! اسلام ستیزان را با نمایش فیلمشان در آتش زدن صفحه‌ای از این کتاب مشارکت می‌دهند و به آتش کینه و نفرت دوطرفه دامن می‌زنند.

ب) محکومیت عکس‌العمل نشان دادن در برابر توهین به مقدسات

این دستور صریح در قرآن به مسلمانان ابلاغ شده است که: "اگر در مجلسی شنیدید که آیات الهی مورد انکار و استهزاء قرار گرفته است، آن مجلس را ترک کنید تا زمانی که در بحث دیگری وارد شوند". (نساء ۱۴۰)

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَعْدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ

این آیه نه از سر ناچاری و در دوران ضعف اولیه مسلمانان در مکه، بلکه در اوج قدرتشان (در سال ششم هجرت در مدینه) ابلاغ شده است. یعنی اگر آیات خدا هم مورد انکار و استهزاء قرار گیرد، مسلمانان جز عکس‌العملی دفاعی در ترك موقت جلسه، تا زمانیکه بحث عوض شود، دستور دیگری ندارند و به هیچ وجه مجاز به تعرض به توهین کنندگان و تعطیل کردن جلسه نیستند.

مطابق قانون قصاص که در قرآن آمده، هر بدی را باید بخشید یا فقط در همان حد مقابله به مثل کرد. بنابراین در چنین آئینی هرگز نمی‌توان "فکر" را با "عمل" جنایتکارانه تلافی کرد. مسلمانانی که به حقانیت دین خود باور دارند، نیازی نمی‌بینند جز با منطق و مدارا از اندیشه خود دفاع کنند. (۲)

در قرآن به مسلمانان آگاهی داده است که حتما از ناحیه اهل کتاب (یهود و نصارا) و همچنین مشرکین سخنان آزار دهنده بسیاری خواهند شنید، اما اگر صبر و خویشتن داری کنند، چنین رفتاری دلالت بر اراده داشتن در امور می‌کند:

لِّلَّذِينَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ آوَوْا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا ۖ وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

توصیه قرآن در مقابله با چنین تعرضات و تهاجمات دینی، دعوت مخالفین از طریق حکمت و اندرز نیکوست و بحث کردن به زیباترین شیوه ممکن و آگاهی از این که خدا خودش خبر دارد چه کسی گمراه و چه کسی هدایت شده است (نباید جای خدا نشست و داوری کرد).

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۚ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۚ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ ۚ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ۚ وَاصْبِرْ ۚ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ ۚ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ.

(نحل ۱۲۵ تا ۱۲۸). با فرزاندگی و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و به بهترین شیوه با مخالفان به گفتگو بنشین، بدانکه پروردگار تو حتما به حال کسانی که از راه او منحرف شده‌اند، آگاه‌تر است؛ و نیز به حال راه یافتگان. اگر هم می‌خواهید عکس‌العمل نشان دهید، متناسب با همان بدی که به شما شده عمل کنید؛ اما اگر شکیبایی (عفو) کنید، این شیوه برای شکیبایان بهتر است. تو شکیبا باش که شکیبائی‌ات به (حساب) خداست و از انکار آنها اندوهگین مباش و از دسیسه‌های آنان احساس تنگنا مکن. مسلما خدا حامی حاکمان بر نفس خویش و نیک رفتاران است.

۱- کاش آن امام زنده بود و می‌دید مدعیان ولایتش در جاهلیتی دیگر، به جای چوبدستی، با چماق و شوکر، نه در میدان جنگ، که در شهر و تظاهرات خیابانی به جان دختران می‌افتند و از بی‌ابروئی خود و آنکه فتوایشان داده در دنیا و آخرت هراسی ندارند.

۲- این توصیه را مقایسه کنید با شعارهای مرگ خواهی نمایندگان مجلس ولایت فقیه علیه آقایان موسوی و کروبی! اگر بلند پایگان قوه مجریه چنین شعاری داده بودند، اینقدر عجیب نبود که نمایندگان قوه مقننه و حتی قضائیه که باید پاسدار قانون و حقوق مردم باشند و ائمه جمعه و جماعت که باید به ایمان و آشتی مردم را دعوت کنند!